

فصلنامه علمی مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی
دوره ۱۶، شماره ۱ (پیاپی ۵۴)، بهار ۱۴۰۰
شاپای چاپی ۵۹۶۸-۲۵۳۸ شاپای الکترونیکی ۵۹۵۸-۲۵۳۸
<http://jshsp.iaurasht.ac.ir>

مقاله پژوهشی

صص. ۲۸-۱۵

مشارکت مردمی و توسعه‌یافتگی روستایی (مطالعه موردی: دهستان سراوان، شهرستان رشت، استان گیلان)

مجید یاسوری* - استاد گروه جغرافیا، دانشگاه گیلان، رشت، ایران
سیده فاطمه امامی - دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران، تهران، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۲/۲۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۸/۲۰

چکیده

مقدمه: رشد و توسعه روستایی، ارتباطی تنگاتنگ با مشارکت روستاییان دارد، چرا که مشارکت در واقع کارایی برنامه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و کیفیت تصمیم‌گیری برای مناطق روستایی را افزایش می‌دهد.
هدف پژوهش: هدف از پژوهش حاضر بررسی رابطه بین مشارکت و سطح توسعه‌یافتگی منطقه می‌باشد.
روش‌شناسی تحقیق: نوع تحقیق به صورت کاربردی - توسعه‌ای است و روش مطالعه اسنادی، تحلیلی و پیمایشی است. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات وضعیت توسعه یافتگی منطقه ۲۰ شاخص در ابعاد متفاوت اجتماعی، اقتصادی و کالبدی انتخاب گردید و بر اساس مدل مورس مورد سنجش قرار گرفت، برای سنجش رابطه آن با مشارکت نیز از آزمون ناپارامتریک کروسکال والیس در نرم افزار SPSS استفاده گردید.
قلمرو جغرافیایی پژوهش: جامعه آماری تحقیق کل خانوار روستایی دهستان سراوان است که با استفاده از جدول مورگان تعداد ۳۷۰ نمونه انتخاب گردید.
یافته‌ها و بحث: از طرفی دارا بودن جمعیت بالا به خودی خود نمی‌تواند شاخص توسعه یافتگی و مشارکت بیشتر روستاییان در امور مربوط به توسعه باشد؛ همچنان که در این پژوهش، روستایی چون گلسرک، کچا و موشنگا که جمعیت کمتری از روستای امامزاده هاشم دارند اما اهالی این روستاها دارای رتبه بیشتری در مشارکت جهت توسعه روستا می‌باشند.
نتیجه‌گیری: نتایج تحقیق بیانگر وجود رابطه بین این دو متغیر است در واقع بیشترین مشارکت به ترتیب در روستای سراوان، قاضیان، گلسرک، کچا، موشنگا، امامزاده هاشم و در نهایت جوکول‌بندان می‌باشد.

واژه‌گان کلیدی: مشارکت، توسعه روستایی، مدل مورس، کروسکال والیس، سراوان

نحوه استناد به مقاله:

یاسوری، مجید و امامی، سیده فاطمه (۱۴۰۰). مشارکت مردمی و توسعه‌یافتگی روستایی در دهستان سراوان شهرستان رشت مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی، ۱۶(۱)، ۲۸-۱۵.

http://jshsp.iaurasht.ac.ir/article_672849.html

مقدمه

نقش و جایگاه روستاها در فرایند توسعه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در مقیاس محلی، منطقه‌ای ملی و بین‌المللی و پیامدهای توسعه نیافتگی مناطق روستایی چون فقر گسترده، نابرابری فزاینده رشد سریع جمعیت، بیکاری، مهاجرت، حاشیه‌نشینی شهری و... موجب توجه به توسعه روستایی و حتی تقدم آن بر توسعه شهری گردیده است. به نظر مایکل تودارو "ضرورت تقدم و توجه به توسعه روستایی نسبت به توسعه شهری به این علت نیست که اکثریت جمعیت جهان سوم در مناطق روستایی قرار دارند، بلکه به این علت است که راه حل نهایی مسئله بیکاری شهری و تراکم جمعیت بهبود محیط روستایی است".^۱ با برقراری تعادل مناسب بین امکانات اقتصادی شهر و روستا و نیز ایجاد شرایط مناسب برای مشارکت وسیع مردم در تلاش‌هایی که برای توسعه ملی صورت می‌گیرد و متمتع شدن از مواهب آن، کشورهای در حال توسعه گام بزرگی در جهت تحقق معنای حقیقی توسعه بر خواهند داشت (Todaro, 1989: 45). در فرآیند تاریخی تحولات مربوط به توسعه روستایی، در دهه‌های ابتدایی پس از جنگ جهانی دوم، تغییر از نگرش رشد به سوی توسعه اجتماعی و توسعه انسانی، در بردارنده این پیام بود که عامل اقتصادی و برنامه‌ریزی متمرکز به تنهایی نمی‌تواند معادله توسعه را تبیین کند. در این دهه‌ها، بسیار از کشورهای در حال توسعه به منظور دستیابی به توسعه اجتماعی و اقتصادی، به‌ویژه در نواحی روستایی، روش‌هایی را تحت عنوان راهبردهای توسعه آزمودند (نجفی کانی، ۱۳۹۱: ۱۴۷). توسعه در ابتدا به سازمان‌های مشارکتی و ساختار نهادی توسعه مربوط است که ظرفیت و توانایی مردم را در کنترل زندگی و اداره مشکلات جامعه افزایش می‌دهد (اسدی و همکاران، ۱۳۹۵: ۶۲). جوامع بشری در مسیر رشد و تعالی خود و برای نیل به توسعه فراز و نشیب‌های بسیاری را طی کرده و مسیرهای زیادی را پیموده‌اند و در این حوزه، آرمان اصلی فراهم کردن شرایط مطلوب اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و... برای تک‌تک اعضای جامعه بوده است. اصولاً یکی از مهم‌ترین مسائل کشورها در دوره‌های مختلف، بررسی شیوه‌های بهبود و پیشرفت و در مجموع توسعه مناطق روستایی است، و بر این اساس توسعه روستایی نیز به عنوان یکی از زیر شاخه‌های توسعه و بلکه مهم‌ترین آن‌ها فرآیندی چندبعدی است که موضوع آن بهبود، ارتقای کیفیت زندگی اقشار فقیر و آسیب پذیر اجتماع روستایی است (ازکیا، ۱۳۸۴: ۳۷). علاوه بر این، "مشارکت مردم" شرط اساسی عملی است که بخشی از جنبه عملیاتی توسعه را تشکیل می‌دهد. نظریه توسعه، با توجه به هدف و محتوا، اهمیت مشارکت را در همه سطوح، از مرحله تعیین‌کننده شناسایی نیازها گرفته تا مرحله نهایی ارزیابی و اجرای برنامه، و همچنین مراحل میانی تصمیم‌گیری در خصوص تعیین هدف‌ها، کاربرد منابع و مدیریت عملیات نشان می‌دهد (کاتورتی، ۱۳۷۹: ۳). مشارکت باتوجه به نقش‌پذیری و ایفای نقش ساکنین روستایی در برنامه‌های اجتماعی و اقتصادی و عمرانی برای دستیابی به اهداف جمعی بویژه در مناطق روستایی از اهمیت بسیاری برخوردار است. پژوهش پیرامون مشارکت به طور گسترده از زمانی آغاز شد که اهل پژوهش به مطالعه توسعه و علل و آثار دگرگونی‌ها و تحولات اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی پرداختند. بدین ترتیب مفهوم و موضوع مشارکت جزء لاینفک تئوری‌های توسعه گردید. مفهوم مشارکت نیز مانند توسعه مفهومی مبهم و چند پهلو است که تفسیر و برداشت‌های مختلفی از آن وجود دارد، اما بطور کلی مشارکت را می‌توان روند درگیر ساختن مردم در تعیین سرنوشت خود و احساس مسئولیت نسبت به این سرنوشت تعریف نمود (محمدی، ۱۳۸۰: ۸). مشارکت گروهی از نگرش‌ها، روش‌ها و رفتارهاست که مردم را برای بحث و بررسی واقعیت‌های زندگی و شرایط شان قادر می‌سازد تا برای خود برنامه‌ریزی کنند و اینکه چه فعالیت‌هایی انجام دهند و نتایج آن را مشاهده و ارزیابی کنند (Chambers & Blackburn, 1996: 1).

دهستان سراوان واقع در بخش سنگر شهرستان رشت دارای ۷ روستا می‌باشد. بر اساس تحقیقات صورت در این پژوهش هدف ابتدا بررسی سطح توسعه‌یافتگی منطقه بر اساس مدل موریس بوده که با استفاده از ۲۰ شاخص این کار انجام شد و پس از آن با استفاده از پرسش‌نامه و تکمیل آن در میان خانوار روستایی در این دهستان درصدد رابطه آن با سطح توسعه‌یافتگی منطقه بررسی شده است. در واقع بر اساس این اهداف فرضیه‌ای که در این پژوهش مطرح گشت عبارت است از: به نظر می‌رسد بین مشارکت و توسعه روستایی در روستاهای دهستان سراوان رابطه وجود دارد.

تحقیقات داخلی و خارجی چندی در این زمینه انجام شده است. هانتسینگر و فورتن^۱ (۱۹۹۰) در مطالعه‌ای نشان دادند که بیش تر ویژگی‌های جمعیت شناختی بر تصمیم افراد در زمینه مشارکت در فعالیت‌های حفاظتی موثر بوده است، به باور ایشان نه تنها

منفعت بلکه عامل‌های اجتماعی، ارزش‌ها و گرایش‌ها از جمله سواد، سن، درآمد، محل سکونت و اندازه مرتع بر تصمیم دامداران در فعالیتهای حفاظت از مراتع موثرند. ندرکارن و فرانکلین^۱ (۲۰۰۳) در مطالعه‌ای از جنسیت به عنوان یکی از محرک اصلی مشارکت در فعالیتهای حفاظت از منابع جنگلی استفاده نموده‌اند، نتایج بدست آمده از این مطالعه نشان‌دهنده وجود رابطه مثبت این متغیر با فعالیتهای مشارکتی یاد شده بوده است. در مجموع، مطالعات نشان‌دهنده وجود رابطه مثبت این متغیر با فعالیتهای مشارکتی یاد شده بوده است. یانگ^۲ (۲۰۱۱) در مقاله‌ای با عنوان مشارکت روستاییان در ساخت فرهنگ جامعه روستایی بیان نموده که توسعه ساخت‌وساز فرهنگ جوامع روستایی بدون مشارکت روستاییان صورت نمی‌گیرد و از همه مهمتر، عدم وجود امکانات و مناسبت‌های فرهنگی مناسب، عدم دانش کافی و محدودیت توانایی روستاییان از موانع اصلی در مشارکت روستاییان برای ساخت فرهنگ جوامع روستایی است و در نهایت نتیجه این بوده که برای ترویج مشارکت در ساخت فرهنگ جامعه روستایی باید به تقویت آموزش، بالا بردن کیفیت، شدت و شور و شوق و توانایی روستاییان به مشارکت پرداخت. استنلی^۳ (۲۰۱۲) در مقاله‌ای به نقش مشارکت در فعالیتهای اقتصادی غیرکشاورزی روستا پرداخته و معتقد است بسیاری از کشورهای درحال توسعه با افزایش ناتوانی بخش کشاورزی مواجه هستند. بنابراین برای حمایت از معیشت روستایی، مشارکت در فعالیتهای غیرکشاورزی ضروری است و تأکید می‌کند که هر گونه مشارکت در فعالیتهای اقتصادی باهدف بهبود معیشت روستایی را باید هدف قرارداد. ام‌پریز^۴ (۲۰۱۲) در مقاله‌ای با عنوان نمایندگی و مشارکت مدنی در برنامه‌های توسعه روستایی در گالیسیا اسپانیا به تحلیل میزان مشارکت کنندگان در سازمان‌های اجتماعی پرداخته و چگونگی همکاری در این برنامه‌ها را در توسعه پویایی و قابلیت‌های محلی را مورد ارزیابی قرار داده است. نتایج، دشواری‌های ورود و فعالیت مؤثر افراد را برجسته می‌سازد. حتی درحوزه‌هایی که شبکه‌های اجتماعی چشم‌گیری وجود دارد، نبود فرهنگ مشارکت در میان سازمان‌های اجتماعی و دولتی مانع توسعه و موفقیت برنامه‌ها شده است. توصیه‌هایی برای بهبود رویکرد رهبری فراهم شده است. استفانو^۵ (۲۰۱۳) به سنجش مشارکت کشاورزان ایتالیایی در سیاست توسعه روستایی (RDP) می‌پردازد و اینکه اولویتهای منطقه‌ای (RDP) تا چه حد تحت تأثیر ویژگی‌های منطقه‌ای است و آیا اولویتهای سیاست سطح منطقه‌ای به مشارکت کشاورزان در سنجش‌های (RDP) می‌کند یا خیر؟ به این نتیجه می‌رسد که دولت‌های منطقه‌ای بر اساس خصایص ویژه منطقه‌شان به انتخاب اولویتهای (RDP) بپردازند و اولویتهای سیاست منطقه‌ای نقش مهمی در تشریح مشارکت کشاورزان در تدابیر کشاورزی زیست‌محیطی دارند اما نه در سنجش‌هایی که هدفشان تقویت روحیه رقابتی کشاورز است. مطیعی لنگرودی و سخایی (۱۳۸۸) در مقاله‌ای با عنوان مشارکت مردمی و توسعه‌یافتگی روستایی در دهستان سلگی شهرستان نهاوند به بررسی نقش مشارکت‌های مردمی در توسعه روستاهای دهستان سلگی شهرستان نهاوند پرداخت. نتایج تحقیق نشان‌دهنده وجود پتانسیل‌های و زمینه‌های مشارکت در توسعه روستایی، موانع و مشکلاتی در چهار دسته اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی بر سر راه مشارکت پویا و فعال وجود دارد، که رفع هر کدام از آنها مستلزم به کارگیری راهکاری ویژه است. شیخ حسنی و مهمان‌دوست (۱۳۸۹) در پژوهشی به بررسی نقش مشارکت اجتماعی و اقتصادی روستاییان در طرح‌های عمران روستایی (مطالعه موردی: دهستان نساء) در طرح‌های عمرانی روستایی از طریق مطالعات میدانی پرداخت که نتیجه حاکی از آن بود که آگاهی از اهمیت مشارکت و همچنین میزان مشارکت اهالی روستای نساء از اهالی روستای ولایتروود بیشتر بوده و بر همین مبنا رشد، توسعه و پیشرفت طرح‌های عمرانی روستای نساء از روستای ولایتروود پیشی گرفته است. این را می‌توان یکی از عوامل مهم توسعه بهتر طرح‌های عمرانی در روستای نساء دانست. محمدی‌یگانه و همکاران (۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان تحلیلی بر موانع اقتصادی- اجتماعی مشارکت روستاییان در فرآیند مدیریت روستایی، مشارکت را به عنوان یکی از عناصر ضروری جهت دستیابی به توسعه و به خصوص توسعه روستایی دانسته است. در واقع هدف پژوهش حاضر بررسی موانع اقتصادی و اجتماعی عدم مشارکت روستاییان در فرآیند مدیریت روستایی است. روش مطالعه به صورت توصیفی، تحلیلی و تکمیل پرسش‌نامه بوده است. نتایج پژوهش نشان داد سطح مشارکت روستاییان در فرآیند مدیریت روستایی در وضعیت مناسبی قرار ندارد و میان ویژگی‌های فردی روستاییان و سطح توسعه‌یافتگی روستاهای مورد مطالعه با سطح مشارکت رابطه معنی‌داری وجود دارد. از دیدگاه مردم و مسئولین کمبود درآمد روستا بیان به عنوان مهمترین مانع مشارکت آنان در فرآیند مدیریت روستایی شناخته شد.

1. Nadcarm & Franklin
2. Yang
3. Stanley
4. MPerez
5. Stefano

مشارکت مردمی ابزاری است که به وسیله آن اعضای جامعه قادر به شرکت در تدوین سیاست‌ها، طرح‌ها و برنامه‌هایی می‌گردند که بر روی محیط زندگی آن‌ها تأثیر می‌گذارد (Wichick, 1999: 85). ناپایداری و عدم تعادل در سکونتگاه‌های شهری و روستایی که نتیجه عدم تطبیق طرح‌ها و برنامه‌های به اجرا درآمده با خواسته‌ها و نیازهای واقعی مردم است (احمدی، ۱۳۸۰: ۴۵ به نقل از جمعه‌پور، ۱۳۸۴: ۷۲). مشارکت به معنی به کار گرفتن منابع شخصی به منظور سهمی شدن در اقدام جمعی است. نسیمی مشارکت را به معنای قبول همکاری آگاهانه و از روی میل و اراده، برای رسیدن به هدفی خاص و معین می‌داند که طی آن برای طرح مسئله، تصمیم‌گیری، اجرا، بهره‌برداری، مراقبت و بازنگری اهداف، از تمام امکانات گروهی استفاده می‌شود. مشارکت به عنوان یک فرآیند اجتماعی، عام، جامع، چندبعدی و چند فرهنگی است که هدف آن کشاندن همه مردم به ایفای نقش در همه مراحل توسعه است. در مشارکت به مردم این فرصت داده می‌شود که همه اعضای یک اجتماع محلی و جامعه بزرگتر، قادر به مشارکت فعال و مؤثر در فرآیند توسعه و بهره‌برداری از ثمرات و منافع توسعه گردند (اسدی و همکاران، ۱۳۹۵: ۶۲). مشارکت شامل مهیا کردن منابع مردمی محلی و حمایت از داده‌های درونی در داخل برنامه‌هایی برای ایجاد کارایی و تأثیرات مؤثر است (Low, 1999: 12). مشارکت به معنی درگیر شدن بسیار نزدیک مردم در فراگردهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی مؤثر بر زندگی آنان است که از شروط آن، وجود تمایل به تقسیم قدرت و تصمیم‌گیری از جانب نظام سیاسی و حکومت می‌باشد (یاور، ۱۳۸۰: ۱۰). مشارکت در نواحی روستایی به مفهوم ساماندهی رابطه متقابل انسان روستایی با محیط جغرافیایی با بهره‌وری بهینه در سطوح مختلف تولید کشاورزی می‌باشد. این مهم در گذشته از طریق نظام‌های همکاری گروهی در زمینه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی و تولید کشاورزی انجام گرفته است. امروزه نیز برای دستیابی به یک فرآیند توسعه درون‌زا، متکی به خود و پایدار روستایی، بازنگری به سازماندهی همکاری در نواحی روستایی، که ریشه در فرهنگ جغرافیایی این سرزمین دارند اجتناب ناپذیر است (جمعه‌پور، ۱۳۷۳: ۱۰۸). همچنین، مشارکت در مفهوم دقیق توزیع مجدد قدرت اقتصادی و سیاسی به نفع تهیدستان روستایی، که کنار گذاشته شده‌اند، می‌باشد (الغنی، ۱۳۷۳: ۶۴). توسعه برای تحول انسان است و خود هدف نیست، بلکه ابزاری است تا انسان را متناسب با مکانی که در آن زیست می‌کند به جایگاه و موقعیت شایسته‌اش برساند (صیدائی و دهقانی، ۱۳۸۸: ۳). توسعه روستایی بهبود شرایط زندگی توده‌های کم‌درآمد ساکن روستا و خودکفا ساختن آن‌ها می‌باشد (ازکیاء، ۱۳۷۷: ۲۰۳). مشارکت، مفهومی ذاتی در جوامع بشری است که برای تحکیم آن، نیاز به برنامه‌ریزی از پایین به بالا و ارتباط بین همه مؤلفه‌های موجود در این زمینه وجود دارد (Wang, Xiaojun et al, 2008: 86).

در شیوه مشارکت هدایت شده، دولت از مشارکت اجتماع محلی با انگیزه‌های پنهانی حمایت می‌کند. مشارکت اجتماع محلی در این شیوه، به منظور کنترل سیاسی- اجتماعی، با علم به اینکه مشارکت هزینه‌ی برنامه‌های توسعه اجتماعی را کاهش می‌دهد و اجرای آن را تسهیل می‌کند، به کار می‌رود. این دیدگاه، متأثر از نظریه صنف‌گراست که بر توانایی و قابلیت دولت برای برانداختن و به همکاری پذیرفتن جنبش‌های خودمختار و در اختیار گرفتن قدرت آن‌ها تأکید می‌کند (ازکیاء و غفاری، ۱۳۸۸: ۱۶۶). هر چند چنین فعالیتی ممکن است فواید اجتماعی زیادی را برای فقرا به بار آورد، ولی موجب وابستگی آن‌ها به انتقال منابع از بالا به پایین می‌شود و توانمندی آن‌ها را برای تحقق کنش تعاونی خود مختار و مستقل، دچار شکست می‌سازد (Midgley, 1986: 40). در قالب این نوع مشارکت دخالت مردم فقط بر حسب سهمی شدن در نیروی کار و منابع، و نیز تعهد به ایدئولوژی سیاسی دولت اهمیت دارد و برای تصمیم‌گیری آزاد یا تقویت ابتکارات مستقل از طریق گروه‌های خودمختار اهمیت چندانی قائل نیست. گسترش بسیج توده‌ها برای ساخت کشور و تأیید اهداف سیاست ملی از اولویت‌های دولت است. آن‌ها در حقیقت مفهوم محدود مشارکت (مشارکت صوری) را بر مفهوم گسترده آن (مشارکت اصلی) ترجیح می‌دهند (Hall, 1986: 97). این نوع مشارکت در مرحله‌ی اجرا و عمل با بسط نظام دیوان‌سالاری و سلطه‌ی ذهنیت تکنوکراتیک در برنامه‌های توسعه روستایی قرین شده است. "ذهنیت تکنوکراتیک مردم را به شکل منفعل می‌نگرد تا به شکل فعال". چنین ذهنیتی مبتنی بر اصول زیر است:

- حکومت و مردم مورد هدف، منافع عام و مشترکی دارند. در نتیجه مشارکت باید به موضوع همکاری اجتماع محلی با مأموران پروژه خلاصه شود؛

- به مقوله اجتماعی چندان اهمیتی داده نمی‌شود؛

- دخالت مردم در پروژه فقط مرحله اجرا اهمیت دارد و امور فنی تصمیم‌گیری باید به عهده کارشناسان باشد؛

- بسیج مردم برای دستیابی به هدف‌های از پیش تعیین شده دارای اهمیت است؛
 - اجتماعات روستایی، عقب‌مانده، ابتدایی و دشمن تغییرند. روش‌های تولیدی‌شان غیرمنطقی و تحت جبر شرایط محیطی قرار دارد.
 در نتیجه از یک طرف مردم به عنوان موضوع توسعه و از طرف دیگر به عنوان کسانی که نیازمند هدایت فنی هستند، دیده شده‌اند؛
 - زنان، کنشگران مهمی در فعالیت اقتصادی شمرده نمی‌شوند و تحت سلطه مردان دیده شده‌اند و معمولاً مشارکت و بهره‌گیر آن‌ها از پروژه‌ها نادیده گرفته می‌شود (Bonfiglioli, 1997: 11).

توسعه مشارکتی به منزله شراکتی است که مبتنی بر گفتگو میان بازیگران مختلف است تا از رهگذر دستور کار به طور مشترک تعیین شود و نظرات افراد محلی و دانش بومی آگاهانه طلب گردد و محترم باشد. این امر بیشتر مبین مذاکره است تا سیطره دستور کار پروژه‌ای که در بیرون وضع شده باشد. بنابراین مردم به جای این که بهره‌ور باشند به بازیگر بدل می‌شوند. در تعریف دیگر آمده: توسعه مشارکتی بر تواناسازی مردم و استفاده از آن در برنامه‌ریزی و عمل تأکید می‌شود (ماتور، کولدیپ و همکاران، ۱۳۶۶: ۱۵ به نقل از رضوانی، ۱۳۹۰: ۱۱۵). با توجه به تعاریف ارائه شده دو هدف عمده و رهیافت متفاوت برای رواج توسعه مشارکتی مطرح است که به شرح زیر بررسی می‌شود:

الف) رهیافت مشارکت به منزله وسیله: در این رهیافت، مشارکت فرایندی تلقی می‌شود که به موجب آن افراد محلی با طرح‌ها یا پروژه‌های عرضه شده از بیرون همکاری یا همراهی می‌کنند، به این ترتیب، مشارکت به وسیله‌ای تبدیل می‌شود که به کمک آن این ابتکار را می‌توان به طور موثرتری اجرا کرد. مشارکت مردم مورد حمایت یک کارگزار بیرونی قرا می‌گیرد و ابزاری برای پشتیبان باز پیشرفت طرح یا پروژه تلقی می‌شود. کاربرد اصطلاح "توسعه مشارکتی" برای توصیف این رهیافت متداول‌تر است. این گونه توسعه مبین فعالیت‌های توسعه طراحی شده از بیرون است که به شیوه‌ای مشارکتی به اجرا در می‌آیند. این رهیافت کاملاً رایج است و اساساً مشارکت را به عنوان وسیله‌ای برای تضمین نتیجه موفقیت آمیز فعالیت‌های انجام شده ارتقاء می‌بخشد.

ب) رهیافت مشارکت به منزله هدف: در این رهیافت، مشارکت به خودی خود هدف تلقی می‌شود، این هدف ممکن است به صورت توانمندسازی مردم در قالب کسب مهارت‌ها، دانش و تجربه به منظور بر عهده گرفتن مسوولیت بیشتر برای توسعه جلوه‌گری کند. فقر مردم اغلب بر حسب محرومیت و فقدان دسترسی‌شان به منابع و کنترل آن‌ها تبیین می‌گردد، منابعی که آنان برای بقا و بهبود زندگی خود به آن‌ها نیاز دارند. در این رهیافت، مشارکت ابزار تغییر است و می‌تواند به از بین بردن محرومیت و فراهم کردن مبنایی برای فقرا، جهت دخالت مستقیم‌تر در ابتکارهای توسعه کمک کند. اصطلاح "مشارکت توسعه‌ای" برای این رهیافت متداول‌تر است (پیتر اوکلی و دیگران، ۱۳۸۳: ۷-۸).

ج) رهیافت مشارکت به مثابه توانمندسازی: این نوع رهیافت مشارکتی منجر به تعریف خاصی از توسعه می‌شود. اینکه توسعه درباره چه چیزی است؟ توسعه چیزی فراتر از آن است که در یک پروژه تعریف می‌شود و یا در دستیابی به اهداف تنگ اقتصادی مشخص می‌شود. توسعه از این منظر، فرایندی است که به وسیله فراورده‌های اجتماعی به وجود می‌آید. در این رویکرد تأکید فزاینده‌ای بر نیا ظرفیت‌سازی و حمایت سازمانی برای ایجاد کنش جمعی می‌شود. با توجه به دیدگاه مانیون برای اطمینان از حضور مشارکت مردم و رهیافت توسعه از پایین دو عامل می‌بایست در نظر گرفته شود:

- حدودی که مردم محلی ظرفیت و مهارت سهیم شدن در توسعه محلی خودشان را دارند.
 - فرصتهایی که به آن‌ها داده می‌شود تا خودشان را از طریق مداخله معنادار در فرایند توسعه، نشان دهند (ازکیا و ایمانی، ۱۳۸۷: ۲۳۱).

د) رهیافت مشارکتی کاهش فقر: با توجه به اینکه در بسیاری از کشورهای فقیر، درآمد‌های روستایی پایین بوده، لذا رشد اقتصادی، عنصر اساسی توسعه روستایی به نظر می‌رسید. رشد اقتصادی مبتنی بر بازار به "نشست به پایین" منافع برای فقرای روستایی اطمینان داشت، در صورتی که این مسأله فقط تحت شرایط به خصوصی در کشورهایی که اخیراً به فرایند توسعه پیوسته‌اند اتفاق افتاده است و حتی در بسیاری از کشورهای فقیر نیز چنین اتفاقی نیفتاد. در نتیجه این تفکر، دست کم موسسات بین‌المللی توسعه به سمت پارادایم جدید کاهش فقر گرایش پیدا کردند. ایجاد فرصت‌های کسب درآمد، بهبود دسترسی به خدمات برای فقرا و افزایش دستمزدهای تضمینی برای فقرا و ... از جمله برنامه‌هایی بودند، که در این رهیافت از طریق موسسات توسعه مطرح گردیدند. مهم‌تر از این‌ها بحث مشارکت عملی فقرا و روستاییان در برنامه‌های توسعه کلید اساسی کاهش فقر تلقی گردید و دلیل عدم موفقیت

و شکست برنامه‌های پیشین توسعه را در ارتقای سطح زندگی فقرا، عدم مشارکت فقرا در برنامه‌های توسعه متذکر گردید. فقرا به دلیل انزوا و بی‌قدرتی و جهت‌گیری‌های برنامه‌های توسعه کمتر در فرایند توسعه ظاهر شده و عملاً هیچ‌گونه مشارکتی نداشتند (ازکیا و ایمانی، ۱۳۸۷: ۲۳۶).

رهیافت مشارکتی کاهش فقر اگرچه یک استراتژی مناسب و به ظاهر مفید به نظر می‌رسید اما بنا به دلایلی نتوانست ایده‌آل در نظر گرفته شود. این رویافت در آن واحد می‌توانست از سه منظر به فرایند توسعه کمک نماید:

۱. چشم‌اندازی که برای فقر ایجاد کرده بود.
۲. راهبردی که به توجه به کاهش فقر؛ پایداری محیط زیست و توسعه پایدار را با خود داشت.
۳. عینیت دادن به مقوله مشارکت که اغلب جزیی از اهداف هر پروژه توسعه پایدار روستایی گردیده است (ازکیا و ایمانی، ۱۳۸۷: ۲۳۷).

(و) رهیافت مشارکت به مثابه تفویض قدرت و اختیار: از آنجا که نخستین مدل‌های توسعه پس از جنگ مبتنی بر نفوذ سرمایه، کالایی کردن و صنعتی شدن بود و باور بر این بود که این عوامل می‌تواند جامعه سنتی و معیشتی روستایی را به شریک فعال در اقتصاد نوین و سیاست‌های دولت ملی مبدل سازد، مردم را صرفاً به عنوان اشیا در یک برنامه توسعه قلمداد می‌کرد. بعدها به خصوص پس از شکل‌گیری رهیافت‌های مشارکتی در توسعه روشن شد که بدون دخالت دادن افراد ذینفع در فرایند توسعه و بدون انتقال قدرت عمل و دخالت به مردم عادی، پروژه‌ها کمتر به موفقیت دست می‌یابند. بر این اساس "مشارکت برابر با کسب قدرت به معنای توان دسترسی به منابع لازم برای حفظ معیشت و کنترل این منابع" (محسنی تبریزی، ۱۳۷۹: ۹۲ به نقل از ازکیا و ایمانی، ۱۳۸۷: ۲۳۸).

روش پژوهش

نوع تحقیق به صورت کاربردی- توسعه‌ای است و روش مطالعه اسنادی، تحلیلی و پیمایشی است. جهت تکمیل اطلاعات موجود از منابع دسته اولی چون پرسش‌نامه استفاده شده است واحد تحلیل این تحقیق خانوار ساکن در نقاط روستایی دهستان سراوان می‌باشد. جامعه آماری تحقیق کل خانوار روستایی دهستان سراوان است، که بر اساس نتایج سرشماری سال ۱۳۹۰ تعداد روستاهای این بخش ۷ روستا و تعداد خانوار، ۴۲۸۳ خانوار می‌باشد. به منظور تجزیه و تحلیل در این پژوهش از نرم افزار SPSS استفاده گشت. به منظور نقش مشارکت و سطح توسعه یافتگی منطقه ابتدا مدل موریس و پس از آن از آزمون کروسکال والیس استفاده گردید. برای تعیین حجم نمونه سرپرستان خانوار ساکن در نقاط روستایی دهستان سراوان از جدول مورگان استفاده شد و در نهایت تعداد حجم نمونه سرپرستان، ۳۵۱ پرسش‌نامه تعیین گردید که جهت نتیجه‌گیری بهتر پرسش‌نامه‌ها به ۳۷۰ عدد افزایش پیدا کرد. برای تعیین حجم روستاهای نمونه از میان ۷ روستا سهم هر روستا مشخص گردید که از قرار زیر است:

جدول ۱. سهم هر روستا از تعداد پرسش‌نامه

نام دهستان	تعداد خانوار	سهم روستا	تعداد هر نفر در روستا
قاضیان	۹۶۶	۲۲/۶	۸۳
سراوان	۱۸۳۷	۴۲/۹	۱۵۹
جوکولبدان	۳۶	۰/۸	۳
گلسرک	۵۰۹	۱۱/۹	۴۴
کچا	۱۱۴	۲/۷	۱۰
موشنگا	۹۱	۲/۱	۸
امامزاده هاشم	۷۳۰	۱۷	۶۳

به منظور سنجش روایی پرسش‌نامه از نظرات جمعی از اساتید رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی که در این زمینه فعالیت نموده‌اند، بهره گرفته شده است. همچنین به منظور سنجش پایایی ابزار تحقیق، ابتدا ۳۰ پرسش‌نامه در سطح دهستان تکمیل، سپس با استفاده از آلفای کرونباخ مورد تأیید قرار گرفت. مقدار آلفا برای هر یکی از ابعاد مختلف فقر عبارتند از:

جدول ۲. مقدار آلفای کرونباخ

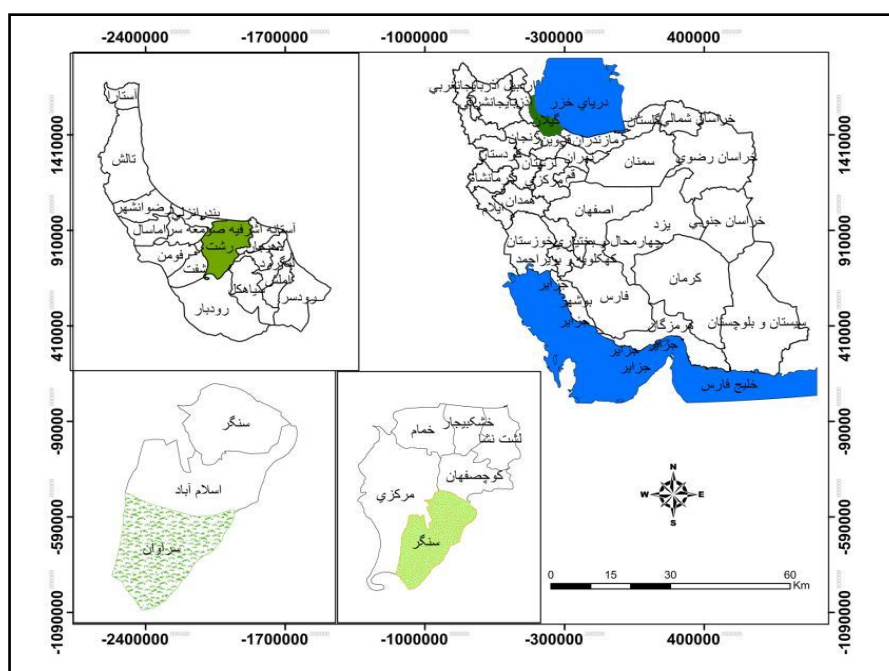
مقدار آلفا	ابعاد	مقدار آلفا	ابعاد
۰/۷۳	نگرش نسبت به مشارکت	۰/۷۹	بعد سیاسی مشارکت
۰/۷۸	شیوه‌های عملی مشارکت	۰/۸۰	بعد اجتماعی مشارکت
		۰/۸۶	بعد خدماتی- کالبدی مشارکت

جدول ۳. شاخص‌های مشارکت

شیوه‌های عملی مشارکت	نگرش نسبت به مشارکت	بعد خدماتی- کالبدی	بعد اجتماعی	بعد سیاسی
مالی	آسان شدن کارها با مشارکت	مشارکت در طرح‌ها و پروژه‌های عمرانی	شرکت در مراسم روستا (عزاداری، عروسی)	شرکت در انتخابات
انسانی و کاریدی	افزایش روحیه همدلی و وفای روستایی	انجام کار داوطلبانه در امور عمرانی روستا	حل اختلاف بین افراد روستا	مشارکت مردم در امور سیاست
فکری و مشورتی	استفاده بهینه از امکانات مادی و غیرمادی منابع روستا	کمک مالی جهت طرح‌های عمرانی	مساعدت و همیاری به همسایگان	تأثیرگذاری مردم در تصمیمات دولتی
	حضور فعالتر دولت در جهت ارائه امکانات و خدمات	مشارکت در امور کاشت، داشت و برداشت کشاورزی		اداره کشور به دست صاحبان قدرت و گروه خاص
				نقش مهم روستاییان در اداره امور کشور

قلمرو جغرافیایی پژوهش

دهستان سراوان شهرستان رشت که در استان گیلان واقع شده از طرف غرب به دهستان لاکان و از شمال به دهستان سنگر و از جانب جنوب و جنوب شرقی به شهرستان رودبار منتهی می‌شود. دهستان سراوان دارای هفت روستا، به نام‌های قاضیان، سراوان، جوکول بندان، کچا، گلسرک، موشنگا و امامزاده هاشم می‌باشد این دهستان ۹۸/۶۹ کیلومتر مربع وسعت دارد و در موقعیت جلگه‌ای و کوهستانی واقع شده است. جمعیت این دهستان در سال ۱۳۷۵ طبق آمار و سرشماری برابر ۱۴۸۳۷ نفر بوده است که این رقم در سال ۱۳۸۵ به ۱۳۹۸۹ نفر کاهش یافته است اما تعداد خانوار آن ۵۷۲ خانوار افزایش داشته است. در سال ۱۳۹۰ نیز این دهستان دارای ۷ آبادی، ۱۴۰۴۱ نفر جمعیت و ۴۲۸۳ خانوار می‌باشد (معاونت برنامه‌ریزی استانداری گیلان، ۱۳۹۰ و ۱۳۸۵).



شکل ۱. موقعیت جغرافیایی محدوده مورد مطالعه

یافته‌ها و بحث

به منظور ارزیابی نقش مشارکت‌های مردمی در توسعه روستایی منطقه مورد مطالعه، ۷ روستای نمونه از نظر برخورداری از شاخص‌های اقتصادی، کالبدی و اجتماعی بررسی شدند. ابتدا برای سنجش توسعه‌یافتگی در این منطقه مدل موریس محاسبه گردید. این مدل برای محاسبه شاخص توسعه انسانی کشورهای مختلف مورد استفاده قرار می‌گیرد. در این روش سطح توسعه یا ضریب محرومیت مناطق با استفاده از فرمول زیر محاسبه می‌گردد (کلاتتری، ۱۳۹۱: ۵۸).

$$\text{ضریب محرومیت } Xi = \frac{\text{مقدار حداقل } Xi - \text{مقدار واقعی } Xi}{\text{مقدار حداقل } Xi - \text{مقدار حداکثر } Xi}$$

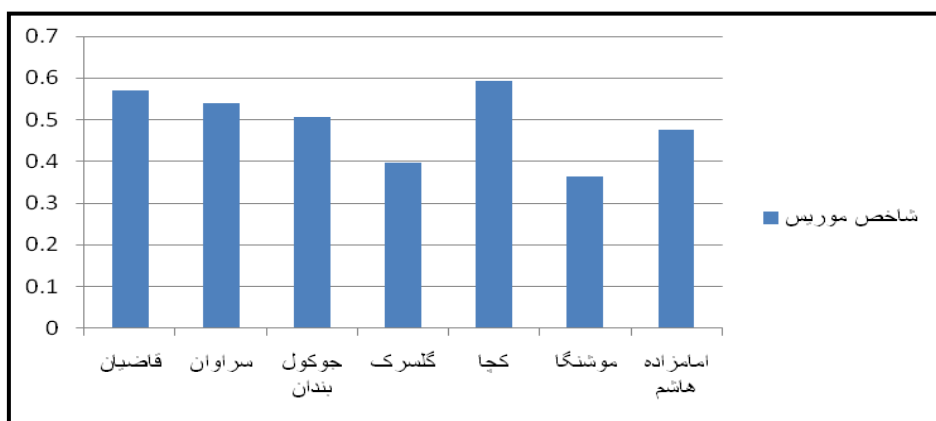
به این منظور چیزی حدود ۲۰ شاخص کلیدی در روستاهای منطقه محاسبه گردید براساس مدل موریس از این میان ۷ روستا در سطح توسعه‌یافتگی کم و متوسط قرار گرفته بود. د واقع روستایی با سطح توسعه یافتگی بالا بر اساس این شاخص‌ها در این منطقه وجود نداشته است.

جدول ۴. میزان برخورداری از شاخص‌های توسعه روستایی

شاخص‌ها	قاضیان	سراوان	جوکول بندان	گلسرک	کچا	موشنگا	امامزاده هاشم
جمعیت	۳۰۵۶	۶۰۷۳	۹۵	۱۶۹۲	۳۹۱	۲۹۷	۲۴۳۷
نرخ باسوادی	۷۲/۴۳	۵۱/۲۸	۷۰/۰۰	۴۴/۳۲	۳۴/۸۸	۳۳/۳۳	۵۴/۵۵
نرخ باسوادی کشاورزان	۱/۶۲	۳/۲۵	۰/۰۰	۲/۸۴	۰/۰۰	۰/۰۰	۹/۰۹
درصد باسوادی مردان	۸۶/۱۷	۸۹/۳۲	۷۷/۲۷	۸۶/۱۷	۷۲/۳۴	۷۷/۱۴	۹۰/۸۷
درصد با سوادی زنان	۷۳/۱۷	۷۹/۳۰	۶۸/۱۸	۷۴/۰۲	۵۷/۲۲	۶۶/۶۷	۸۲/۱۸
نرخ اشتغال	۳۸/۸۴	۳۴/۱۱	۴۳/۵۳	۳۲/۸۹	۳۸/۹۸	۴۰/۷۴	۳۱/۰۴
نرخ اشتغال مردان	۷۰/۳۳	۶۱/۷۵	۷۶/۱۹	۵۷/۶۲	۶۹/۶۶	۷۵/۰۰	۵۷/۵۴
نرخ اشتغال زنان	۸/۳۹	۶/۶۲	۱۱/۶۳	۸/۳۰	۷/۹۵	۵/۹۷	۵/۱۹
درصد بهره‌برداران دارای بیمه	۰	۴/۲۵	۰	۰	۰	۰	۰
ضریب مکانیزاسیون	۱/۸۲	۲/۰۷	۵	۱/۴۲	۳/۰۱	۰	۰
تراکم بیولوژیک	۳۵/۹۹	۱۲/۷۳	۲۱/۰۵	۸/۳۳	۳۴/۰۲	۴/۷۱	۰/۱۲
درصد خانوارهای دارای مسکن	۹۹/۳۸	۱۰۰	۱۰۰	۹۹/۲۱	۹۹/۱۲	۹۵/۶۰	۱۰۰
درصد خانوار دارای مسکن بالای ۱۰۰ متر	۱۴/۵۵	۲۵/۰۰	۱۵/۳۸	۴۳/۷۵	۲۴/۰۷	۴۰/۰۰	۳۶/۱۱
درصد خانوارهای دارای اینترنت	۱/۵۵	۲/۴۵	۸/۳۳	۳/۹۳	۱۰/۵۳	۰	۱/۷۸
نرخ باروری	۰/۱۸	۰/۱۴	۲/۶۳	۰/۳۲	۲/۹۹	۱/۹۴	۰/۲۲
نرخ زاد و ولد	۹۹/۹۳	۹۹/۹۵	۹۸/۹۵	۹۹/۸۸	۹۸/۹۸	۹۹/۳۳	۹۹/۹۲
سرانه آموزشی	۱/۵۶	۲/۴۵	۸/۳۳	۳/۹۶	۱۰/۶۲	۰/۰۰	۱/۷۸
سرانه دام	۰/۲۱	۰/۰۱	۱/۰۰	۰/۰۹	۰/۶۵	۰/۰۰	۰/۸۹
سرانه زمین	۰/۹۸	۰/۳۴	۰/۶۲	۰/۲۳	۱/۰۰	۰/۱۴	۰/۰۰

جدول ۵. مدل نهایی موریس در میان روستاهای دهستان

نام روستا	شاخص ترکیبی	وضعیت توسعه یافتگی
قاضیان	۰/۵۷۱	توسعه یافتگی متوسط
سراوان	۰/۵۳۹	توسعه یافتگی متوسط
جوکول بندان	۰/۵۰۶	توسعه یافتگی متوسط
گلسرک	۰/۳۹۶	کمتر توسعه یافته
کچا	۰/۵۹۳	توسعه یافتگی متوسط
موشنگا	۰/۳۶۳	کمتر توسعه یافته
امامزاده هاشم	۰/۴۷۷	توسعه یافتگی متوسط



شکل ۲. شاخص‌های توسعه‌یافتگی بر اساس مدل موريس

به منظور ارزیابی نقش مشارکت‌های مردمی در توسعه روستایی منطقه مورد مطالعه، ۷ روستای نمونه از نظر برخورداری از شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بر اساس مدل موريس مورد محاسبه قرار گرفت (جدول ۲) و رابطه درصد توسعه‌یافتگی روستاهای مورد بررسی با میزان اعتقاد به مشارکت آن‌ها در توسعه روستایی (با گویه‌های موجود در پرسش‌نامه) با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون مورد سنجش قرار گرفت (جدول ۴). نتیجه‌ی به دست آمده بیانگر وجود ارتباط میان میزان مشارکت مردم روستایی و سطح توسعه‌یافتگی روستاهای منطقه در سطح ۹۵ درصد است.

جدول ۶. ارتباط بین سطح توسعه یافتگی روستایی با میزان مشارکت مردم

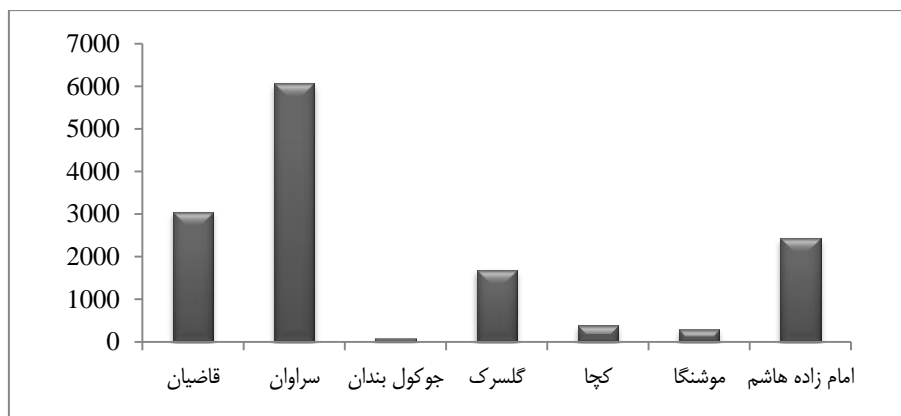
شرح	توسعه اقتصادی	توسعه کالبدی	توسعه اجتماعی	میزان توسعه یافتگی
میزان مشارکت	$\rho = 0.878$ $\text{sig} = 0.009$	$\rho = 0.84$ $\text{sig} = 0.018$	$\rho = 0.837$ $\text{sig} = 0.019$	$\rho = 0.962$ $\text{sig} = 0.001$

جدول (۴) نشان می‌دهد که در این پژوهش میزان رابطه سطح توسعه یافتگی روستاهای مورد بررسی با میزان اعتقاد اهالی روستا به مشارکت آن‌ها در توسعه روستایی (با استفاده از گویه‌های موجود در پرسش‌نامه) با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون مورد سنجش قرار گرفت نتیجه به دست آمده بیانگر وجود ارتباط میان میزان مشارکت مردم روستایی و سطح توسعه یافتگی روستاهای منطقه در سطح ۹۵ درصد است. این رابطه به تفکیک بین میزان مشارکت و توسعه اقتصادی برابر ۸۷/۸ درصد، میزان مشارکت و توسعه کالبدی برابر ۸۴ درصد و میزان مشارکت با توسعه اجتماعی ۸۳/۸ درصد برآورد شده است؛ به طور کلی میزان رابطه سطح توسعه یافتگی روستاها و میزان اعتقاد اهالی به مشارکت در توسعه روستایی برابر ۹۶/۲ درصد برآورد شده است. برای سنجش سطح مشارکت هر کدام از روستاهای مورد مطالعه، از آزمون کروسکال والیس استفاده شده است.

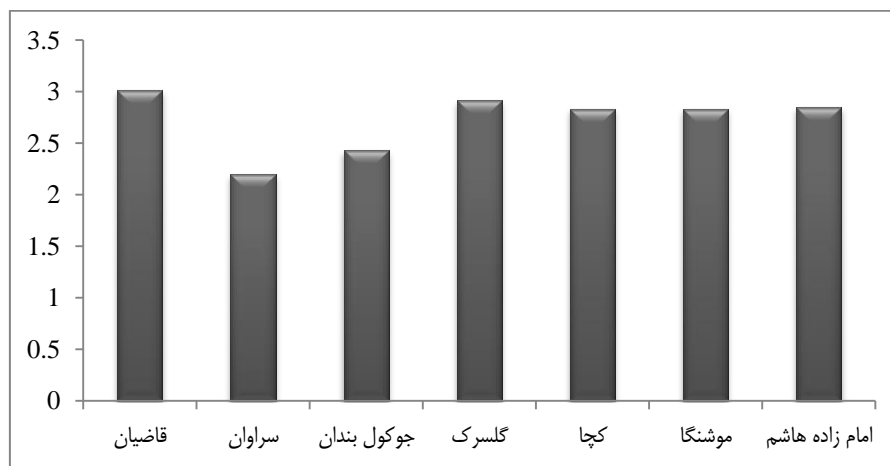
جدول ۷. رتبه مشارکت هر کدام از روستاهای نمونه

شرح	روستا	جمعیت	تعداد	میانگین رتبه
مشارکت	قاضیان	۳۰۵۶	۸۳	۲۰۲/۲۳
	سراوان	۶۰۷۳	۱۵۹	۲۰۷/۱۶
	جوکول بندان	۹۵	۳	۳۸/۱۷
	گلسرک	۱۶۹۲	۴۴	۱۶۶/۹۳
	کچا	۳۹۱	۱۰	۱۴۴
	موشنگا	۲۹۷	۸	۱۴۳/۴۴
	امام زاده هاشم	۲۴۳۷	۶۳	۱۴۰/۷۰
آماره آزمون	Chi - squar = ۲۹/۴۹			
درجه آزادی	Df = ۶			
سطح معناداری	Sig = 0.000			

جدول (۴) در این آزمون نشان می‌دهد که هر روستا با توجه به سطح توسعه یافتگی نسبت به سایر روستاها دارای چه رتبه‌ای در میزان مشارکت است. مقدار آماره آزمون کراسکال والیس برابر با درجه آزادی ۶ برابر ۲۹/۴۹ شده و سطح معناداری آزمون برابر ۰/۰۰۰ شده که نشان می‌دهد نه تنها در سطح اطمینان ۹۵ درصد بلکه با ضریب اطمینان ۹۹ درصد اختلاف میزان مشارکت روستاها معنادار می‌باشد و بیشترین مشارکت به ترتیب در روستای سراوان با متوسط رتبه ۲۰۷/۱۱۶، سپس قاضیان با متوسط رتبه ۲۰۲/۲۳، بعد گلسرک با متوسط رتبه ۱۶۶/۹۳، روستای کچا با متوسط رتبه ۱۴۴، روستای موشنگا با متوسط رتبه ۱۴۳/۴۴، روستای امام زاده هاشم با متوسط رتبه ۱۴۰/۷۰ و در نهایت روستای جوکول بندان با متوسط رتبه ۳۸/۱۷ به ترتیب اولویت میزان مشارکت می‌باشند. لازم به ذکر است که دارا بودن جمعیت بالا به خودی خود نمی‌تواند شاخص توسعه یافتگی و مشارکت بیشتر روستاییان در امور مربوط به توسعه باشد؛ همچنان که در این پژوهش، روستایی چون گلسرک، کچا و موشنگا که جمعیت کمتری از روستای امام‌زاده هاشم دارند اما اهالی این روستاها دارای رتبه بیشتری در مشارکت جهت توسعه روستا می‌باشند (اشکال ۲ و ۳).



شکل ۳. وضعیت روستاها بر حسب شاخص جمعیت



شکل ۴. وضعیت روستاها بر حسب شاخص میانگین مشارکت

نتایج به دست آمده از آزمون فرضیه نشان می‌دهد، در صورتی که روستایی از لحاظ سطح توسعه یافتگی در وضعیت مطلوب‌تری قرار داشته باشد، میزان مشارکت در آن افزایش می‌یابد و چنانچه مشارکت به صورت پویا و فعال وجود داشته باشد، زمینه‌های ارتقای وضعیت اقتصادی نیز فراهم می‌گردد. برای ایجاد همبستگی قوی بین توسعه و مشارکت آگاهانه مردم در امور توسعه روستاهای دهستان مورد نظر، علاوه بر اثبات وجود رابطه بین این دو متغیر لازم است که موانع و مشکلات ساختاری که تحقق مشارکت واقعی روستاییان را به دنبال دارند، شناسایی شوند و راهکارهایی برای رفع آن‌ها سنجیده شود. از عمده‌ترین موانع موجود بر سر راه توسعه همه جانبه و پایدار روستایی، نادیده گرفتن توانایی‌های بالای روستاییان در زمینه‌های مختلف است. در واقع به جای اینکه روستاییان به عنوان عوامل اصلی توسعه روستایی مطرح گردند. به دریافت‌کنندگان منفعل فکر و خدمات

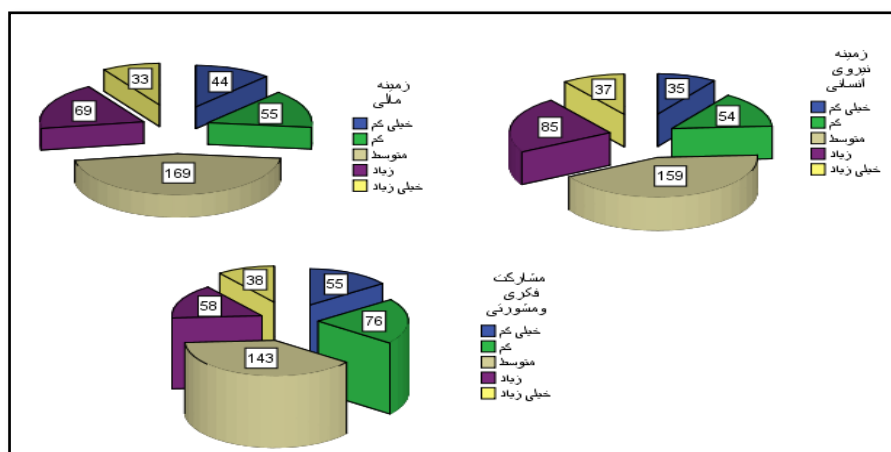
تبدیل شده‌اند و در گردونه نظام پیچیده بوروکراسی (دیوان سالاری) دولتی گرفتار شده‌اند. نتیجه تحقیق و بررسی در روستاهای منطقه مورد مطالعه، نشانگر وجود عوامل متعدد بازدارنده در سطوح مختلف اقتصادی، کالبدی و اجتماعی است، که هر کدام از آن‌ها بایستی به طور جداگانه و در ارتباط با هم از میان برداشته شوند تا بتوان به توسعه‌ای مشارکتی و درون‌زا دست یافت. در ادامه، هر یک از این موانع جداگانه بررسی شده‌اند و راهکارهایی در جهت رفع آن‌ها ارائه می‌گردد.

موانع اقتصادی

از معضلاتی که امروز گریبانگیر بسیاری از روستاها از جمله روستاهای منطقه مورد مطالعه است، نیروی انسانی جوان و جویای کار می‌باشد. تبدیل شدن زمین‌های کشاورزی به سایر کاربری‌های اراضی، عقب ماندگی روستاها و مشکلاتی از این قبیل برای جمعیت جوان جویای کار سبب مشکلات اقتصادی و کاستی‌هایی در این زمینه شده و به همین دلیل میزان مشارکت آنان در امر توسعه روستاها به ویژه از بعد مشارکت مالی کاهش قابل توجهی داشته است.

جدول ۸. نوع مشارکت روستاییان

شرح	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد
مشارکت مالی	۴۴	۵۵	۱۶۹	۶۹	۳۳
مشارکت نیروی انسانی	۳۵	۵۴	۱۵۹	۸۵	۳۷
مشارکت فکری و مشورتی	۵۵	۷۶	۱۴۳	۵۸	۳۸



شکل ۵. نوع مشارکت روستاییان

شکل (۵) نشان می‌دهد که به ترتیب بیشترین تمایل روستاییان به مشارکت فکری و مشورتی، مشارکت نیروی انسانی و مشارکت مالی بوده است. از طرف دیگر، بسیاری از برنامه‌های طراحی شده برای روستاها مستلزم وجود امکانات مالی و توان اقتصادی بالاست.

موانع اجتماعی و سیاسی

یافته‌های پرسش‌نامه‌ها و مطالعات میدانی نشان می‌دهد که از موانع مشارکت روستاییان در دستیابی به توسعه روستایی، کاهش اعتماد اجتماعی روستاییان به عملکرد دولت است. مورد بسیار مهم دیگر در که می‌توان جز موانع اجتماعی مشارکت در این دهستان دانست در مورد نقش زنان است، در واقع دسترسی پایین زنان به اعتبارات و تسهیلات نهادها و عوامل تولید و همچنین نبود یک آموزش مناسب منجر به عدم مشارکت زنان گشته است. مورد دیگر نبود جلسات آموزشی و ترویجی در روستاها جهت توجیه افراد برای مشارکت بیشتر است. از مواردی که می‌توان جزء موانع سیاسی نام برد عبارتند از:

- مردم روستا به کار سیاست وارد نیستند همین امر منجر گشته است بسیاری از تصمیم‌گیری‌ها در این دهستان به صورت از بالا به پایین و بدون مشورت مردم صورت بگیرد.
- بسیاری از افراد در این روستاها می‌گویند که شرکت در انتخابات برای ما فایده‌ای نداشته و در نهایت دولت کار خود را انجام می‌دهند در واقع نسبت به عملکرد دولت بدبین هستند.
- مردم در روستاهای این دهستان دچار نوعی عدم اعتماد به نفس هستند و می‌گویند اداره کشور به دست گروهی از صاحب قدرت و ثروت است و در این میان کار چندانی از آنان ساخته نیست.

نتیجه‌گیری

به طور کلی هدف از مشارکت، شرکت داوطلبانه مردم در برنامه‌های توسعه در تمام مراحل اعم از تصمیم‌سازی، تصمیم‌گیری، اجرا، نگهداری و ارزیابی است. سطوح پایین و فقرای جامعه روستایی کمتر در برنامه‌های توسعه روستایی شرکت داده می‌شوند و این به دلیل مشخص نبودن عرصه‌ای خاص برای ابراز وجود آن‌ها و تجلی توانایی‌های آن‌ها در پیشبرد برنامه‌های توسعه‌ای است. در حالی که مشارکت دادن روستاییان می‌تواند به عنوان فرآیندی که از طریق آن تهیدستان و محرومان را سازماندهی کرده، تا بتوانند از طریق این سازماندهی به تلاش‌های توسعه‌ای دست بزنند، تلقی می‌شود. اگر بتوان اقشار مختلف روستایی را در ایجاد عرصه و سازماندهی مطلوب به خوبی راهنمایی و هدایت کرد، این عرصه و سازمان‌ها برای روستاییان به ابزاری برای بیان خواسته‌هایشان بدل می‌گردد که از این طریق می‌توانند به خواسته‌های منطقی خود دست پیدا کنند. بنابراین ارتقای سطح مشارکت روستاییان و رفع موانع موجود بر سر راه آن از طرق مختلف مانند آموزش یا ایجاد نهادهای مشارکتی، بهبود وضعیت اقتصادی و درآمدی از طرق مختلف در روستاهایی که از وضعیت اقتصادی نامطلوبی برخوردارند و درگیر ساختن همه افراد ثروتمند و فقیر از گروه‌های مختلف ضروری به نظر می‌رسد.

با توجه به مدل موريس که سطح توسعه‌یافتگی را در منطقه نشان می‌دهد به ترتیب روستاهای بیشترین توسعه عبارتند از کچا، قاضیان، سراوان، جوکول‌بندان، امامزاده هاشم، گلسرک و موشنگا. باید به این موضوع توجه داشت که هیچ یک از روستاها در سطح توسعه یافتگی بالا قرار نگرفته‌اند تنها با استفاده از اعداد شاخص ترکیبی این رتبه‌بندی صورت گرفته است. در مورد رابطه مشارکت نیز باید اظهار داشت به ترتیب روستاهای روستای سراوان با متوسط رتبه ۲۰۷/۱۱۶، سپس قاضیان با متوسط رتبه ۲۰۲/۲۳، بعد گلسرک با متوسط رتبه ۱۶۶/۹۳، روستای کچا با متوسط رتبه ۱۴۴، روستای موشنگا با متوسط رتبه ۱۴۳/۴۴، روستای امامزاده هاشم با متوسط رتبه ۱۴۰/۷۰ و در نهایت روستای جوکول‌بندان با متوسط رتبه ۳۸/۱۷ به ترتیب اولویت میزان مشارکت می‌باشند. لازم به ذکر است که دارا بودن جمعیت بالا به خودی خود نمی‌تواند شاخص توسعه‌یافتگی و مشارکت بیشتر روستاییان در امور مربوط به توسعه باشد؛ همچنانکه در این پژوهش، روستایی‌چون گلسرک، کچا و موشنگا که جمعیت کمتری از روستای امامزاده هاشم دارند اما اهالی این روستاها دارای رتبه بیشتری در مشارکت جهت توسعه روستا می‌باشند. از طرفی دستیابی به توسعه روستایی بدون مشارکت روستاییان غیرممکن و دشوار است. بنابراین شناخت موانع مشارکت روستاییان و همچنین برنامه‌ریزی جهت رفع این موانع روند توسعه روستایی را تسهیل می‌بخشد.

در پژوهش حاضر به بررسی موانع اقتصادی - اجتماعی مشارکت روستاییان در فرآیند مدیریت روستایی پرداخته شد. از جمله این موانع را می‌توان به مواردی چون عدم وجود منافع مشترک اقتصادی میان مردم روستا، بالا بودن هزینه‌های زندگی در روستا، عدم وجود برنامه‌هایی جهت توسعه اقتصادی روستا، عدم تخصیص اعتبار و بودجه با توجه به نیازهای روستاییان، ناکارآمدی پروژه‌های اقتصادی جهت جذب مردم به مشارکت، کمبود درآمد روستاییان، نبود رضایت از موقعیت شغلی، بیکاری و فقر بالا و عدم هزینه کردن اعتبارات در چارچوب بودجه از سوی دهیاری‌ها و شوراها اشاره نمود. موانع اجتماعی به مواردی چون نبود افراد بومی و مهاجرت نخبگان روستایی، عدم نظارت بر عملکرد مدیران فعال در سطح روستا، پایین بودن سطح تحصیلات روستاییان، عدم اعتماد مردم به مدیران، عدم آگاهی روستاییان از مزایای مشارکت، وجود روحیه تقدیرگرایی در برخی روستاییان، عدم آشنایی مردم با برنامه‌های شورا و دهیاری، اختلاف بین روستاییان و... اشاره نمود. این پژوهش همانند تحقیق شیخ حسنی و مهمان دوست تحت عنوان نقش مشارکت اجتماعی و اقتصادی روستاییان در طرح‌های عمران روستایی مطالعه موردی: دهستان نساء که به بررسی نقش مشارکت

اجتماعی و اقتصادی روستاییان در طرح‌های عمرانی روستایی از طریق مطالعات میدانی پرداختند، به این نتیجه دست یافتند که آگاهی از اهمیت مشارکت و همچنین میزان مشارکت اهالی روستای نساء از اهالی روستای ولایتروود بیشتر بوده و بر همین مبنا رشد، توسعه و پیشرفت طرح‌های عمرانی روستای نساء از روستای ولایتروود پیشی گرفته است. این را می‌توان یکی از عوامل مهم توسعه بهتر طرح‌های عمرانی در روستای نساء دانست. در این تحقیق نیز با افزایش سطح توسعه یافتگی مشارکت افراد نیز افزایش یافته و به نوبه خود این امر می‌تواند در روند توسعه طرح‌های عمرانی نیز تأثیر داشته باشد. در پژوهشی دیگر که توسط مطیعی لنگرودی و سخایی در سال ۱۳۸۸ انجام داده‌اند مطابقت دارد. در واقع در پژوهش آنان ابتدا سطح توسعه یافتگی منطقه با استفاده از مدل گاتمن صورت پذیرفت و پس از آن با استفاده از آزمون کروسکال والیس نتیجه‌ای مشابه به تحقیق حاضر بدست آمد که با بالا بودن سطح توسعه یافتگی در منطقه مشارکت نیز افزایش می‌یابد. در پژوهش آنان نیز موانع مشارکت مانند این پژوهش از زبان مشارکت کنندگان مورد بررسی قرار گرفت. با توجه به این مشکلات می‌توان پیشنهادهای زیر را ارائه نمود:

- با توجه به سطح تحصیلات پاسخ‌گویان، پیشنهاد می‌شود کلاس‌هایی جهت آشنایی روستاییان با مزایای مشارکت و کاهش روحیه فرد گرایی آن‌ها برگزار شود.
- گسترش اختیارات شوراهای اسلامی و دهیاری‌ها می‌تواند افزایش مشارکت روستاییان را به همراه داشته باشد.
- با توجه به سطح بیکاری و کمبود درآمدهای روستاییان، اولویت برنامه‌های عمرانی در جهت گسترش برنامه‌های اشتغال‌زایی و توسعه اقتصادی روستاها متمرکز شود.
- می‌توان از نیروی جوان و تحصیلکرده دهستان که اغلب جویای کار و به دنبال مسیری برای کسب معاش هستند، بهره گرفت و یک نهاد یا سازمان غیردولتی تشکیل داد که بتواند اهداف مهم آموزشی و مشاوره‌ای را پی‌گیری کند و در زمینه‌های مختلف حقوقی، بهداشتی، زراعی و دیگر موارد، انگیزه ساز و محرک روستاییان باشد.
- ایجاد صندوق‌های اعتباری و قرض‌الحسنه به ویژه در میان زنان روستایی ضمن اینکه تا حدودی بهبود وضعیت اقتصادی خانوارهای روستایی را به دنبال دارد، زمینه‌های مشارکت پویا و فعال را نیز فراهم می‌آورد.
- حمایت دولت از نهادهای مشارکتی و تلاش برای ایجاد زمینه ظهور نهادهای مشارکتی جدید.
- داشتن نگرش اجتماعی و فرهنگی به مشارکت و توسعه روستایی، ضروری است، چرا که توسعه و مشارکت در توسعه روستایی نیاز به انگیزش درونی و همراهی مستمر روستاییان دارد، که مستلزم تغییر ساختاری عمیق در برنامه‌های مربوط به توسعه روستایی است.

تقدیر و تشکر

این پژوهش مستخرج از پژوهشی مستقل بوده و با حمایت مالی سازمانی انجام نشده است.

منابع

- احمدی، حسن. (۱۳۸۰). *شهرسازی مشارکتی برنامه‌ریزی با مردم*. مجله شهرداری‌ها، ۳ (۳۶)، ۴۵-۵۵.
- ازکیا، مصطفی. (۱۳۷۷). *مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی توسعه روستایی*. تهران، نشر اطلاعات.
- ازکیا، مصطفی و غفاری، غلامرضا. (۱۳۸۴). *جامعه‌شناسی توسعه*. تهران: انتشارات کیهان.
- ازکیا، مصطفی و ایمانی، علی. (۱۳۸۷). *توسعه پایدار روستایی*. تهران: انتشارات اطلاعات.
- ازکیا، مصطفی و غفاری، غلامرضا. (۱۳۸۸). *توسعه روستایی با تأکید بر جامعه روستایی ایران*. تهران: نشر نی.
- اسدی، زینب؛ پوررمضان، عیسی و مولائی هاشجین، نصرالله. (۱۳۹۵). *نقش مشارکت در توسعه روستایی بخش خشکبیجار شهرستان رشت*. فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، ۵ (۱)، ۶۱-۸۲.
- تودارو، مایکل. (۱۳۶۸). *توسعه اقتصادی در جهان سوم*، ترجمه غلامعلی فرجادی، جلد اول، تهران: سازمان برنامه و بودجه.
- جمعه‌پور، محمود. (۱۳۸۴). *مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی توسعه روستایی: دیدگاه‌ها و روش‌ها*. تهران: انتشارات سمت.

- جمعه‌پور، محمود (۱۳۷۳). تحلیل رهیافت مشارکت سازمان‌های سنتی تولید گروهی در بهره‌برداری بهینه از منابع آب، خاک توسعه روستایی. فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، ۳۵، ۱۲۰-۱۰۳.
- رضوانی، محمدرضا (۱۳۹۰). برنامه‌ریزی توسعه روستایی در ایران. چاپ چهارم، تهران: نشر قومس.
- شیخ حسنی، غلامحسین و مهمان دوست، فهیمه (۱۳۸۹). نقش مشارکت اجتماعی و اقتصادی روستاییان در طرح‌های عمران روستایی مطالعه موردی: دهستان نساء، فصلنامه جغرافیای سرزمین، ۷ (۲۸)، ۱۲۴-۱۰۹.
- صیدائی، سید اسکندر و دهقانی، امین (۱۳۸۸). نقش مشارکت‌های مردمی در توسعه روستایی: با تأکید بر مشارکت سنتی و جدید مطالعه موردی: بخش مرکزی شهرستان نورآباد ممسنی، جامعه‌شناسی کاربردی، ۲۱ (۳۷)، ۱۸-۱.
- الغنی، ام. آر (۱۳۷۳). بحران فقر روستایی، آیا مشارکت می‌تواند آن را از میان بردارد؟ ترجمه ناصر اوکتایی. فصلنامه روستا و توسعه، شماره ۵. کائوتری، هوبین (۱۳۷۹). مشارکت و توسعه. ترجمه هادی غبرایی و داود طبایی، تهران: انتشارات روشن.
- کلانتری، خلیل (۱۳۹۱). مدل‌های کمی در برنامه‌ریزی (منطقه‌ای، شهری و روستایی). چاپ سوم، تهران: نشر صبا.
- محمدی یگانه، بهروز؛ عینالی، جمشید؛ چراغی، مهدی و فریحی، فرزانه (۱۳۹۱). تحلیلی بر موانع اقتصادی-اجتماعی مشارکت روستاییان در فرآیند مدیریت روستایی. فرآیند مدیریت و توسعه، ۲۶ (۱)، ۱۲۴-۱۰۹.
- محمدی، مهرداد (۱۳۸۰). عوامل جغرافیایی موثر بر میزان مشارکت جوانان و نوجوانان روستایی در برنامه‌ریزی توسعه: نمونه موردی شهرستان کرمان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه تربیت مدرس.
- مطیعی لنگرودی، سید حسن و سخایی، فاطمه (۱۳۸۸). مشارکت مردمی و توسعه یافتگی روستایی در دهستان سلگی شهرستان نهاوند. پژوهش‌های جغرافیایی انسانی، ۷۰، ۱۲۶-۱۱۱.
- معاونت برنامه‌ریزی استانداری گیلان (۱۳۹۰). فرهنگ آبی‌های شهرستان رشت. معاونت آمار و اطلاعات.
- نجفی‌کانی، علی اکبر (۱۳۹۱). بررسی و سنجش میزان مشارکت مردم و نقش آن در توسعه روستایی (مطالعه موردی: دهستان سلطانعلی شهرستان گنبد کاووس). مجله چشم‌انداز جغرافیایی، ۶ (۲۰)، ۱۳۷-۱۱۸.
- یاور، بیژن (۱۳۸۰). شهرسازی مشارکتی و جایگاه مشارکت مردم در شهر ایرانی واقعیات، اهداف، استراتژیها. پایان‌نامه کارشناسی ارشد گروه شهرسازی دانشکده هنر و شهرسازی دانشگاه علم و صنعت ایران.

- Bonfiglioli, A. (1999). Participation and Grass-Rotts Organization in Integrated Range and Livestock Development Pakestan, at: <http://www.FAO.org>.
- Chambers, J., & Blackburn, W. (1996). The Scope for Effective Local Participation in the Economic Development and Planning of Rural Areas and Regions. Washington, U.S.A.
- Hall, A. (1986). Community Participation and rural Development, in Community Participation, Social development and the state. edited by James Midgley & et al, methuend, London.
- Huntsinger, L., & Fortman, L.P. (1990). California's privately owned oak woodlands: Owners, use and management. *Journal of range Management*, 43(2), 147-152.
- Lowe, P., Ray, Ch., Ward, N., Wood, D., & Wood Ward, R. (2005). *Participation in Rural Development*. Center for Rural Economy, Official Publications of the Eropen, Loxamborg.
- Midgley, J. (1986). *Community Participation, Social Development and the state*. Methuend, London.
- Nadcarm, N., & Franklin, D. (2003). Whats up? The newsletter of the international canopy network, Vol 9, No 2.
- Perez-Fra, M. (2012). Represen tativeness and civic participation in rura development programme in Galicia, spain, 41(3), 215-220.
- Stanley, kojo Dary. (2011). participation in rural Non- Farm Economic Activities in Ghana, Vol.2, No.8, p240.
- Stefano, p. (2013). participation of Italian farmers in rural development policy, 40(4), 605-631.
- Wang, Xiaojun & Zhenrong, Yu. (2008). Steve Cinderdy. *John Forrester*, Vol. 28, April.
- Wihick, A. (1999). *Encyclopedia of Urban Planning*. New York: McGraw-Hill.
- Zhang, Y. (2011). Reflection on farmers participation in rural Community Cultural construction, 7(9), 240-243.